

بسمه تعالی

شخصیت شناسی قیس بن سعد بن عباد و عملکرد وی در حکومت امیر المومنین

زینب قراباغی^۱

چکیده:

قیس بن سعد بن عباد از اصحاب رسول خدا(ص) و از یاران خاص امیر المومنین و امام حسن(ع) به شمار می آید که امیر المومنین در زمان حکومت خود ایشان را بر ولایت مصر منصوب میکند. قیس دارای شخصیت ولایت پذیری بوده و امیر المومنین قابلیت اداره مصر را از ابتدا در وجود او می بیند اما بعد از مدت کوتاهی ایشان را از مصر عزل میکند؛ قیس با عدم عمل به دستورات امیر المومنین مبنی بر برخورد قاطع با مخالفین، باعث به خطر افتادن منطقه حساس و مهمی همچون مصر شد؛ در واقع بزرگترین عامل عدم صلاحیت قیس برای استانداری مصر، همین بی توجهی وی به فرمان امیر المومنین (ع) بوده که ما در این پژوهش با استفاده از منابع تاریخی، حدیثی و کلامی متاخر و بعضاً متقدم تشیع و تسنن ابتدا به تحلیل شخصیت قیس، انتساب ایشان بر مصر و تحلیلی راجع به عزل او از ولایت مصر ارائه خواهیم کرد.

1. مقطع عمومی، سطح دوم حوزه علمیه مشکات اندیشه.

مقدمه

یکی از عناصر مهم در حکومت امیر المومنین شخصیت ریشه داری همچون قیس پسر سعد بن عباد که پدر او از اصحاب مشهور رسول خدا و رئیس قبیله خزرج می باشد. که با نگاه عمیق تر به تاریخ خواهیم دانست یکی از فرماندهان مناطق مهمی همچون مصر همین شخصیت می باشد که مصر در آن زمان به دلیل هم مرز بودن با سر زمین های تحت تصرف معاویه از جایگاه ویژه برخوردار بوده که اداره آن توسط هر کسی ممکن نبود. قیس دارای شخصیت ولایی و تابع دستورات امیر بوده و امیر المومنین ولایت مصر را به او سپرده اما بعد از مدتی که از ولایت او بر مصر میگذرد امیر المومنین ایشان را با اینکه خیانت و دشمنی نداشته از مصر عزل و به منطقه کم اهمیت تری نصب میکند؛ که این سوال ایجاد می شود که دلیل عزل قیس از ولایت مصر چه بوده است؟

با پاسخ دقیق با این سوال میتوان فهمید که امیر المومنین چه ملاک و معیار های برای عزل و نصب های خود داشته است و اگر به صورت درست به شخصیت های موثر در حکومت امیر المومنین پرداخته شود و تحلیل درستی از اقدامات آنان ارائه شود؛ کمک شایانی به فهم درست حکومت امیر المومنین خواهد کرد.

طبق بررسی ها نویسنده پیش از این نوشتار، آقای علی اکبر عباسی و سرکارخانم سمیه سادات هاشمی در مقاله خود با عنوان بررسی نقش عملکرد قیس بن سعد عباد در دوران خلافت امیر المومنین و آقای رامین عزیزاده در کتاب اوج ایستادگی تحلیل زندگانی قیس بن سعد و همچنین سرکارخانم صفورا سالاریه در کتاب زندگی سیاسی، اجتماعی قیس بن سعد به تحلیل زندگی قیس بن سعد و ولایت او بر مصر پرداخته اند؛ اما آنچه باعث تمایز این نوشتار می شود تحلیل دقیق از شخصیت این صحابی بزرگ رسول خدا، نصب ایشان بر مصر توسط امیر المومنین و چرایی عزل او از مصر می باشد.

کلید واژه: حکومت امیر المومنین، قتل عثمان، قیس بن سعد، معاویه، ولایت مصر.

معرفی قیس بن سعد بن عبادہ و خاستگاه وی

قیس بن سعد بن عبادہ صحابی رسول خدا (ص) و از یاران نزدیک حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) بود. پدر وی سعد بن عبادہ دیلم خزرجی از اصحاب رسول خدا، پیشوا و بزرگ انصار^۱ و رئیس قبیله خزرج^۲ و مادرش فکیه دختر عبید بن دیلم خزرجی بود.^۳ کنیه او را ابوالفضل ذکر کرده‌اند و برخی نیز وی را ابوعبدالله و ابوعبدالملک خوانده‌اند.^۴ در رابطه با زمان ولادت او تاریخ متقنی در دسترس نیست. وقتی پیامبر اسلام (ص) به مدینه آمد، پدرش او را نزد رسول خدا (ص) برد، تا در محضر آن حضرت بوده و به وی خدمت کند.^۵ به گفته خودش، او ده سال مصاحب پیامبر اسلام بوده است.^۶ منابع در رابطه ویژگی‌های شخصیتی قیس مانند شجاعت، شرافت، سخاوت و جانفشانی وی سخنان بسیار گفته‌اند.^۷ نوشته‌اند که او برای رسول خدا (ص) جایگاه

-
1. یوسف بن عبد الله بن عبد البر، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، 1412 ق، ج 2، ص 595.
 2. أحمد بن علی بن حجر العسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1415 ق، الطبعة الأولى، ج 3، ص 55.
 3. ابن عبد البر، الإستیعاب، ج 3، ص 1289.
 4. همان.
 5. محمد بن عیسی بن الترمذی، سنن الترمذی، تحقیق أحمد شاکر، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي، 1395 ق، ج 5، ص 570.
 6. یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف الحافظ المزنی، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، 1400 ق، الطبعة الأولى، ج 24، ص 42.
 7. عزالدین علی بن أبی الکریم بن أثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1415 ق، ج 4، ص 404.

سرداری سپاه را داشت^۱ به گونه‌ای که قیس در برخی از جنگ‌ها و غزوات پرچمدار پیامبر اسلام (ص) و انصار بوده است.^۲

پدر قیس از کسانی بود که در ماجرای سقیفه نقش فعالی داشت و تا پایان عمر خود با خلیفه اول و دوم بیعت نکرد.^۳ ظاهراً همین مسأله نیز منجر به قتل مشکوک وی شده است.^۴ در ماجرای سقیفه قیس با ابوبکر بیعت ننمود.^۵ در رابطه با مواضع وی در اتفاقات سقیفه اخبار قابل اعتنا و چندانی در دسترس نیست.^۶ اما با این وجود، وقتی قیس از سخنان پدرش در روز سقیفه با خبر شد، معترضانه به وی می‌گوید تو کلام رسول خدا (ص) درباره امیرالمومنین علی (ع) را شنیدی و باز شعار «یک امیر از ما و یک از امیر از شما» را مطرح کردی؟! به خدا قسم دیگر با تو حرف نمی‌زنم.^۷ البته زمان این اعتراض مشخص نیست و معلوم نیست که آیا این اعتراض در بحبوحه ماجرای تعیین جانشین و اختلافات بر سر خلافت صورت گرفته یا خیر. اما آنچه که می‌توان گفت آن است که با وجود آنکه نام وی در میان متحصنان خانه علی (ع) دیده نمی‌شود ولی او از اولین کسانی بود که بعد از اتفاقات سقیفه به سوی حضرت علی (ع) بازگشت.^۸

۱. ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۳، ص ۱۲۸۹.

۲. أبوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۲ ق، الطبعة الأولى، ج ۱، ص ۵۲۹.

۳. ابن اثیر، اسد الغابۀ، ج ۲، ص ۴۴۱.

۴. احمد بن عبد ربه الأندلسی، العقد الفرید، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۴.

۵. محمد بن حسن الطوسی، رجال الطوسی، قم: مؤسسه نشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق، الطبعة الثالثة، ص ۷۰.

۶. در کتاب «طبقات الرجال» اثر احمد بن محمد برقی (د. ۲۸۰/۲۷۴ هـ) ضمن ذکر ماجرای اعتراض دوازده تن از اصحاب رسول خدا (ص) به جانشینی ابوبکر از قیس بن سعد به عنوان یکی از معترضان نام برده می‌شود و سخنانی از او در اعتراض به عدم جانشینی امیرمؤمنان علی (ع) نقل می‌گردد. آنچه که قابل ذکر است آن است که این مطلب از متفردات کتاب «طبقات الرجال» می‌باشد و در کتاب «خصال» صدوق (د. ۳۸۱ هـ) و «احتجاج» طبرسی (د. قرن ۶ هـ) با وجود ذکر آن ماجرا و بیان اعتراض برخی از صحابه اما از قیس بن سعد نامی به میان نیامده است. جهت اطلاع بیشتر نک: أحمد بن محمد بن خالد البرقی، طبقات الرجال (رجال البرقی)، تهران: انتشاران دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش ص ۶۵؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی الصدوق، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۶۱؛ أحمد بن علی الطبرسی، الإحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ص ۷۵.

۷. ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۴۴.

۸. شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۸.

قیس در دوران خلفا و پس از آن

در رابطه با زندگی و مواضع وی در دوران خلیفه اول مطالب زیادی در دست نیست؛ اما یکی از متفردات مطروحه که دارای ضعفی جدی در اعتبار است، از نزاع لفظی میان قیس و خلیفه اول در دوران خلافت وی سخن به میان آورده است؛ که در آن درگیری لفظی قیس از حضرت علی (ع) دفاع کرده و به خلیفه می‌گوید که بعد از روز غدیر و معرفی علی (ع) به عنوان جانشین پیغمبر حجتی برای او باقی نمانده است و در انتها تبعیت از علی (ع) را عهده‌ی الهی و غیر قابل نقض می‌داند.^۱ نسبت دادن این نوع اندیشه به قیس با وجود ضعف در اعتبار و محتوای خبر مذکور، اما با توجه به اشعار منقول از قیس در برهه‌های مختلف (که جلوتر به آن اشاره خواهد شد) چندان بعید و دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.^۲

در مورد فعالیت‌های قیس در دوران خلافت خلیفه دوم و سوم نیز همانند دوران خلیفه اول اطلاعات چندانی در دسترس نیست. اما در روایتی چنین آمده است که روزی وارد مسجد پیامبر شدم و دیدم گروهی دور هم نشسته‌اند. گروهی که، غیر از سلمان و ابوذر، محمد بن ابی‌بکر، عمر بن ابی‌سلمه و قیس بن سعد بن عبادہ بقیه از بنی‌هاشم بودند. سپس عباس رو به علی (ع) کرد و گفت که عمر بن خطاب همه عمال و کارگزاران خود را جریمه کرده است به جز قنُفُذ. سپس از چرایی این امر سؤال نمود. در ادامه حضرت علی (ع) وقتی از عدم حضور طرفداران حکومت در اطراف خود مطمئن شد با ناراحتی گفت سبب این امر تبعیت محض قنُفُذ از خلیفه در ماجرای سقیفه است.^۳ البته این مطلب در دیگر منابع تاریخی متقدم نقل نشده است. قابل ذکر است که قیس در فتح مصر در زمان خلیفه دوم حضور داشته است.^۴

قیس در دوران حکومت امیر المومنین

قیس در دوران حکومت امام علی (ع) در زمره اصحاب خاص حضرت به شمار می‌آید که در ادامه به نقش ویژه وی به عنوان کارگزار حضرت در مصر و فرماندهی و مشاوره نظامی او در جنگ‌ها به تفصیل خواهیم

1. جهت اطلاع بیشتر نک: حسن بن ابی الحسن دیلمی، إرشاد القلوب، قم: دار الاسوه للطباعة و النشر، 1417 ق، ج 2، ص 380-381.

2. نک: سلیم بن قیس الہلالی، کتاب سلیم بن قیس، قم: مطبعة الہادی، 1420 ق، ص 311-314.

3. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج 1، ص 224.

4. ابن حجر العسقلانی، الإصابۃ فی تمییز الصحابۃ، ج 5، ص 360.

- (13) ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل أبي طالب، تصحيح هاشم رسولي، 1379 ق، قم: علامة، الطبعة الأولى، 4 جلد.
- (14) ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله بن محمد، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، 1412 ق، تحقيق علي محمد البجاوي، بيروت، دارالجيل، 4 جلد.
- (15) ابن عبد ربه، أحمد بن عبد ربه الأندلسي، العقد الفريد، 1404 ق، بيروت: دار الكتب العلمية، 9 جلد.
- (16) ابن عبدالحكم، عبدالرحمن بن عبدالله، فتوح مصر و المغرب، 1417 ق، القاهرة: مكتبة الثقافة الدينية.
- (17) ابن عساكر، علي بن حسن بن هبة الله دمشق، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، 1415 ق، بيروت: ط دار الفكر، 80 جلد.
- (18) ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم، الإمامة و السياسة، تحقيق علي شيري، 1410 ق، بيروت: دار الأضواء، 2 جلد.
- (19) ابن كثير، أبو اداء إسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، 1407 ق، بيروت: دار الفكر، 15 جلد.
- (20) ابن نديم، أبو الفرج محمد بن إسحاق، الفهرست، تحقيق ابراهيم رمضان، 1417 ق، بيروت: دارالمعرفة، الطبعة الأولى.
- (21) أبو الفداء، إسماعيل بن علي، تقويم البلدان، 2007 م، القاهرة: مكتبة الثقافة الدينية.
- (22) أبوحنيفة دينوري، الأخبار الطوال، تحقيق محمد عبدالمنعم عامر، 1373 ش، قم: منشورات شريف رضى، الطبعة الأولى.
- (23) أحمد بن حنبل، مسند أحمد بن حنبل، تحقيق شعيب الأرناؤوط و عبد المحسن التركي، 1421 ق، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، 45 جلد.
- (24) اميني، عبدالحسين، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، علامه اميني، 1414 ق، بيروت: دار الأعلمي، 11 جلد.

- (25) بخارى، محمد بن إسماعيل، صحيح البخارى، تحقيق محمد زهير بن ناصر الناصر، 1422 ق، بيروت: دار الطوق النجاء، الطبعة الأولى، 9 جلد.
- (26) برقى، أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد برقى، طبقات الرجال (رجال البرقى)، 1342 ش، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (27) بلاذرى، أحمد بن يحيى بن جابر، أنساب الأشراف، 1417 ق، بيروت: دارالفكر، الطبعة الأولى، 13 جلد.
- (28) ترمذى، محمد بن عيسى بن سورة، سنن الترمذى، تحقيق أحمد شاكر، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي، 1395 ق. 5 جلد.
- (29) ثقفى كوفى، أبو إسحاق إبراهيم بن محمد، الغارات، تحقيق جلال الدين حسيني ارموى، تهران، انجمن آثار ملي، 1395 ق، 2 جلد.
- (30) جعفر مرتضى، العاملى، الصحيح من سيرة الإمام على، 1430 ق، المركز الإسلامى للدراسات، 53 جلد.
- (31) حاكم النيشابورى، محمد بن عبدالله بن محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، 1411 ق، بيروت، دار الكتب العلمية، 4 جلد.
- (32) خطيب بغدادى، أبوبكر احمد بن على، تاريخ بغداد، تحقيق بشار عواد معروف، 1422 ق، بيروت، دار الغرب الإسلامى، الطبعة الأولى، 16 جلد.
- (33) خليفة بن خياط، تاريخ خليفة، تحقيق أكرم ضياء عمري، 1397 ق، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.
- (34) خوارزمى، موفق بن أحمد، المناقب، تحقيق مالك محمودى، 1411 ق، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، الطبعة الأولى.
- (35) ديلمى، حسن بن أبى الحسن، إرشاد القلوب، 1417 ق، قم: دار الاسوة للطباعة و النشر، 2 جلد.
- (36) سليم بن قيس الهلالي، كتاب سليم بن قيس، 1420 ق قم: مطبعة الهادى.
- (37) سيد رضى، نهج البلاغة، تصحيح صبحى صالح، 1374 ش، قم: مركز البحوث الإسلامية.

- (38) سيوطي، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر، *حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة*، 1387 ق، مصر: دار احياء الكتب العربية، 2 جلد.
- (39) شيخ طوسي، محمد بن حسن بن علي، *الأمالى*، 1414 ق، قم: دارالثقافة، الطبعة الأولى.
- (40) شيخ طوسي، محمد بن حسن بن علي، *رجال الطوسي*، 1415 ق، مؤسسة النشر الإسلامى، الطبعة الثالثة.
- (41) شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، *الاختصاص*، 1413 ق، قم: كنگره شيخ مفيد.
- (42) شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، *الأمالى*، تحقيق على اكبر غفارى و حسين استاد ولى، 1413 ق قم: كنگره شيخ مفيد.
- (43) شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نَعْمَان، *الجمال و النصره لسيد العترة في حرب البصرة*، بى تا، نجف: المطبعة الحيدرية.
- (44) شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، *الفصول المختارة*، 1413 ق، قم: كنگره شيخ مفيد.
- (45) صدوق، محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمى، *الخصال*، تصحيح على اكبر غفارى، 1403 ق، قم: نشر جامعه مدرسين، 2 جلد.
- (46) صفدى، صلاح الدين خليل بن أيبك، *الوافى بالوفيات*، تحقيق الأحمد الأرئوط و مصطفى التركى، 1420 ق، بيروت: دار احياء تراث، 29 جلد.
- (47) طبرسى، أحمد بن علي، *الإحتجاج*، تحقيق محمد باقر خرسان، 1420 ق، مشهد: نشر مرتضى، 2 جلد.
- (48) طبرى، أبوجعفر محمد بن جرير الطبرى، *تاريخ الرسل و الأمم و الملوك*، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، 1387 ق، بيروت: دار التراث، الطبعة الثانية، 11 جلد.
- (49) عبد الرزاق الصنعاني، بن همام، *المصنف*، تحقيق حبيب الرحمن الأعظمى، 1403 ق، هند: المجلس العلمى، 10 جلد.
- (50) عبدالمغنم، محمود عبدالرحمن، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية*، ١٤١٩ ق، قاهرة: دار الفضيلة، ٣ جلد.

- (51) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، 1403 ق، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 110 جلد.
- (52) عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، 1380 ق، تهران: المطبعة العلمية، الطبعة الأولى، 2 جلد.
- (53) فتال نیشابوری، محمد بن أحمد، روضه الواعظین، 1375 ش، قم: منشورات شریف رضی، الطبعة الأولى، 2 جلد.
- (54) کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، 1409 ق، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، 2 جلد.
- (55) مادلونگ، ویلفرد، جانشینی محمد، ترجمه احمد نمایی و دیگران، 1377 ش، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- (56) مزنی، یوسف بن عبدالرحمن بن یوسف، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد معروف، 1400 ق، بیروت، مؤسسه الرسالة، الطبعة الأولى، 35 جلد.
- (57) مسعودی، أبوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق أسعد داغر، 1409 ق، قم: دار الهجرة، 4 جلد.
- (58) مسکویه، أحمد بن محمد رازی، تجارب الأمم و تعاقب الهمم، تحقیق أبوالقاسم امامی، 1421 ق، تهران: سروش، الطبعة الثانية 7 جلد.
- (59) مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بی تا، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة، 6 جلد.
- (60) مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسى، 1420 ق، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، 15 جلد.
- (61) ناجی، محمد رضا، «جمل»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، 1385 ش، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- (62) نصر بن مزاحم، منقری، وقعه صفین، 1404 ق، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

63) واقدى، محمد بن عمر، كتاب الردة مع نبذة من فتوح العراق، 1410 ق، بيروت: دار الغرب الإسلامى، الطبعة الأولى.

64) واقدى، محمد بن عمر، كتاب المغازى، تحقيق مارسدن جونس، 1409 ق، بيروت: دار الأعلمی، الطبعة الثالثة، 3 جلد.

65) ياقوت حموى، شهاب الدين أبو عبدالله ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، 1995 ق، بيروت: دار صادر، 7 جلد.

66) يعقوبى، أحمد بن إسحاق، تاريخ يعقوبى، بى تا، بيروت: دار صادر، 2 جلد.